

واژه گردی

ناصر اسلامی

جلد دهم

لغت ۳۰۹۰ - ۳۳۱۹

هابیتود، هبیت - هیستروتومی

شامل بیش از هفت هزار واژه های اروپایی

مصطلح در زبان فارسی

با ریشه یابی آنها تا مبدأ هند و آریایی

و رابطه آنها با لغات فارسی

سرسامه	: ناصر اسلامی، حسین، ۱۳۱۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: واژه‌گردی ناصر اسلامی: شامل بیش از هفت هزار واژه‌های اروپایی مصطلح در زبان فارسی با ریشه‌هایی آنها ... / گردآورنده حسین ناصر اسلامی.
مشخصات نشر	: تهران: شعاع، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۹ ج.
شابک	: دوره ۶- 978-964-5901-60-6 : ج ۱ : 978-964-5901-79-8 : ج ۲ : 978-964-5901-61-3 : ج ۳ : 978-964-5901-62-0 : ج ۴ : 978-964-5901-63-7 : ج ۵ : 978-964-5901-64-4 : ج ۶ : 978-964-5901-65-1 : ج ۷ : 978-964-5901-66-8 : ج ۸ : 978-964-5901-67-5 : ج ۹ : 978-964-5901-68-2 : ج ۱۰ : 978-964-5901-69-9 : ج ۱۱ : 978-964-5901-70-5 : ج ۱۲ : 978-964-5901-71-2 : ج ۱۳ : 978-964-5901-72-9 : ج ۱۴ : 978-964-5901-73-6 : ج ۱۵ : 978-964-5901-74-3 : ج ۱۶ : 978-964-5901-75-0 : ج ۱۷ : 978-964-5901-76-7 : ج ۱۸ : 978-964-5901-77-4 : ج ۱۹ : 978-964-5901-78-1
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
یادداشت	: کتاب حاضر در سال ۱۳۸۸ با عنوان "فرهنگ واژه‌گردی ناصر اسلامی" توسط سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل فبا گرفته است.
یادداشت	: ج ۲- ۱۹ (چاپ اول: ۱۳۸۹) (فبا).
زبان	: فرهنگ واژه‌گردی ناصر اسلامی.
موضوع	: واژه‌نامه‌های چند زبانه
موضوع	: زبان -- اصطلاح‌ها و واژه‌ها
موضوع	: زبان -- ریشه‌شناسی
موضوع	: فارسی -- واژه‌ها و ترکیبات خارجی
موضوع	: فارسی -- ریشه‌شناسی -- واژه‌نامه‌ها
موضوع	: زبان -- علمی، تطبیقی
رده بندی کتب	: ۱۳۸۹ ق.ف.۱/۲
رده بندی دیوبی	: ۳۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۲



انتشارات شعاع

تلفن: ۳۳۱۱۱۴۸۴ - ۳۲۷۷۸ - ۱۲۰۰

نام کتاب: واژه‌گردی ناصر اسلامی

مؤلف: دکتر حسین ناصر اسلامی

ناشر: انتشارات شعاع

نوبت چاپ: اول پاییز ۱۳۹۱

چاپ و صحافی: کوروش

لیتوگرافی: سبز گرافیک

شابک دوره: ۶-۶۰-۵۹۰۱-۹۶۴-۹۷۸

شابک: ۹-۶۹-۵۹۰۱-۹۶۴-۹۷۸

تیراژ: ۱۰۰

قیمت یک دوره نوزده جلدی: ۵۰۰۰۰۰ تومان

مقدمه

بهترین و آسانترین راه برای درک مطالب در هر رشته علمی و فهم اصطلاحات و واژه های آن، پی بردن به بطن معانی واژه ها و اصطلاحات و شناخت رابطه آنها با یکدیگر و ایجاد یک پل ارتباطی فکری است. این شیوه فراگیری البته در ابتدا متضمن صرف وقت و زحمت زیادی است و در حوصله بیشتری را می طلبد که با شتاب و عجله سازگار نیست، لیکن صرفه جویی آینده در وقت و آسان شدن درک مطالب زحمت و صرف وقت اولیه را بخوبی جبران میکند.

این شیوه فراگیری را من خود از اوایل تحصیل با حوصله و صرف وقت بکار می گرفتم و از نتایج رضایت بخش آن بهره مند می شدم. این گونه فراگیری وقت معانی به ویژه زمانی آسان و دلپذیری شد که تقریباً ارتباط همه لغات علمی را با لغات فارسی می یافتم. در ابتدا این کار تنها برای استفاده شخصی بود ولی بعدها درمباحثات علمی به دوستان هم رشته، این شیوه مورد توجه آنان نیز قرار گرفت. هر چند این دوستان صبر و حوصله مرا بر این شیوه برخی یافتند، در عین حال همواره از من می پرسیدند: « این لغت اصولاً به چه معنی است؟ ریشه آن چیست و از کجا می آید؟ معنی اصلی آن کدام است؟... » و نهایتاً از من می خواستند تا نتیجه بررسی های خود را در اختیارشان نیز بگذارم. این مهم را با علاقه پذیرفتم و به آنان و دوستانم به زمانی نتیجه بررسی ها و تجسسات خود را در اختیارایشان نیز بگذارم. این تفحص و پیگیری در معانی واصل و ریشه لغات، به تدریج علاوه بر یک کار علمی و تحقیقی، برای من بصورت سرگرمی و تفریحی در انگیزه درآمد و مرا چنان مجذوب خود کرد و به خویش واداشت که در تمام دوران تحصیل و بعد از تحصیل در ایام کار و فعالیت شغلی و نیز در زمان بازنشستگی همچنان ادامه یافت و به گونه ای شد که دیگر با لغات سخن و مصحبت و همبازی شده بودم. با آنها زندگی می کردم، با آنها به گردش و سفر می رفتم و برای یافتن ریشه و اصل و نسب آن ها عازم کشورهای دیگر می شدم و بطوری که زمان زیادی را در کتابخانه های شهرهای مختلف مانند کتابخانه های هامبورگ و برلین و پاریس و بوکس و مسکو و غیره گزراندم و بالاخره اصل و نسب آنها را می یافتم.

وعده ای که به دوستان داده بودم، ابتدا بصورت جدی ای در آمد و سپس در قالب کتابی ظاهر شد و بعد بصورت دو کتاب و سه کتاب و اسنک بصورت چندین جلد مفصل درآمد. اکنون مرا دریغ نیست که این همه صرف وقت، تنها برای استفاده شخصی محدود بماند و دیگران از آن بهره ای نبرند.

هر چند دوستان دوران تحصیل من، اینک به سن باز نشستگی رسیده اند و شاید خودچندان استفاده ای از آنچه در انتظار آن بودند نبرند، لیکن بی تردید این کار وسیع می تواند مورد استفاده فرزندان و نوادگان و نیز بسیاری از محصلان و دانشجویان دیگر قرار گیرد.

البته این کتاب، تنها یک کتاب اتیمولوژی و فقط یک راهنمای لغت شناسی نیست، بلکه سعی بر آن بوده است تا ضمن تجسس و تحقیق در ریشه لغات، به معانی مصطلح، معانی ابتدایی و نهانی، مفاهیم مجازی و نیز معانی تحت الفظی اشاره شود، از این روی هم سهمی از کتاب لغت یا لکزیون و نیز سهمی از کتاب دایره المعارف یا آنسیکلوپدی در آن نهفته است. بدین جهت نام این مجموعه اتیمولوژی نیست، لغت نامه یا لکزیون هم نیست، نام دایره المعارف یا آنسیکلوپدی نیز بر آن نمی توان نهاد، بلکه کار تازه ای است که نام تازه ای می طلبد و ما، نام واژه گردی بر آن نهاده ایم که عبارت است از جستجو، یافتن، آشنایی، گردش، مسافرت و بالاخره دوره گردی با واژه و همراه

از این رو سخت امید دارم که این مجموعه بتواند مورد استفاده افراد مختلف در موقعیت های گوناگون قرار گیرد و سهمی در خور بهره رسانی به ایستگاه های مختلف، از جمله دانش آموزان، دانشجویان، فارغ التحصیلان، محققان دانشگاهی و غیردانشگاهی برای خود بیابد. همچنین قابل استفاده و آماده سازی برای تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد و نقش خود را در ارتقاء سطح دانش عمومی، به ویژه لغت شناسی ایفا کند.

البته یقین دارم که این اثر نقش بسزایی در آسان کردن فراگیری زبانهای اروپایی و آنگلو ساکسون و نیز زبانهای علمی، همچون لاتین و یونانی ایفا خواهد نمود، همچنان که رابطه معانی بسیاری از واژه های فارسی با یکدیگر روشن خواهد ساخت.

کسانی که نسبت به ریشه شناسی لغات آگاهی دارند، به خوبی می دانند، که برای تالیف یک کتاب ریشه شناسی سالیان متمادی، وقت و فرصت لازم است. این مجموعه با این وقت از این قاعده مستثنی نبود، به گونه ای که هنگام سپردن خط اولیه این تفحص و تحقیق خود را در دریای بی کرانه ای غوطه ور گردیدم که ساحل آن ناپیدا می نمود. در نخستین جلد، که به تحلیل و تجزیه و ترکیب و به قول یکی از دوستان اهل فن به تشریح و جراحات تنها سیصد واژه پرداختم، مجلدی چنین حجیم فراهم آمد. از آنجا که مجموعه این تحقیق و بررسی، تعداد واژه هایی را بالغ بر هفت هزار در بر می گیرد، پیش بینی بیش از هیجده جلد را اجتناب ناپذیر می کند که امید بر آن می برم تا با کمک و همکاری دوستداران اهل فرهنگ و مسلمانان نشر علم و ادب، این کار میسر گردد. بدیهی است با پیشرفت علم و صنعت تکنیک جدید و پیدایش رشته های جدید علمی و حیطه های نوین دانش لغات و واژه ها نیز نو به نو متولد می شوند به طوری که باید عواید دنیال واژه های جدید دوید. در پایان تنظیم این مجموعه، واژه های جدیدی متولد شده بودند- و یا در حال تولد بودند- که طبعاً در این کتاب بررسی نشده اند. در عین حال، چون در این اثر، سعی بر آن بوده است تا لغات از روی ریشه و پیدایش و حلقه ارتباطی آنها بررسی شوند، با اندکی غور و دقت و قدرت تصور می توان از شی لغات قدیم و تفکر در ریشه واژه های خویشاوند، به معنی لغات جدید و نوزاد نیز پی برد و حتی این کار می تواند بخشی از علاقه و تفریح دوستداران این حیطه را پر کند و هر کس تا اندازه ای می تواند ذوق و حتی علاقه و تفنن در لغت شناسی پیدا کند.

حلقه ارتباطی و زنجیره ای بسیاری از لغات اروپائی مصطلح در ایران، یامفقود شده و یا به گونه ای به طور ناقص و بریده بریده و در بسیاری از کتب فقط بطور حدس و گمان و نامعلوم ذکر شده است. این حلقه مفقوده و یا اطلاعات ناقص و ارتباط مخدوش میان لغات فارسی با زبان های اروپائی موجب شد که بستن این حلقه و تکمیل آن، زمان درازی را به خود اختصاص دهد.

هر گروه از لغات بیگانه و واژه های خارجی رایج در زبانهای مختلف، منشأ و زادگاه خاص دارند و می باید ریشه آنها در همان زبان جستجو شود. مثلاً واژه های مربوط به موسیقی و بانگداری بیشتر از زبان ایتالیائی گرفته شده اند، مانند آجیو gio، آداجیو adagio، آجیوتاژ agiotage، آندانته andante، آلتو alto، آلگرو allegro، اپرا opera، دو ر می فا سولا سی do re mi fa so la si و بانکروت banqueroute و غیره.

اصطلاحات سیاسی اکثراً از زبان فرانسه گرفته شده اند مثل: پلیتیک litique، دیپلمات diplomat، دیپلماتیک diplomatique، کوردیپلماتیک corps diplomatique، اتاś attaché، کابینه cabinet، بورژوا bourgeois، بورژوازی bourgeoisie، کودتای coup d'état و غیره.

بسیاری از لغات رایج مربوط به اتومبیل در ایران از زبان روسی برآمده اند مثل: تورموز tormoz، باک bak، بکسل buksir، زاپاس sapas، برزنت brezent و غیره.

لغات اساطیری بیشتر از یونانی گرفته شده اند. لغات جدید تکنیک، کامپیوتر و مربوط به تکنیک دیجیتال اکثراً از زبان انگلیسی وارد زبان فارسی شده اند ولی ارتباط همه این لغات را با زبان فارسی قدیم و جدید می توان با پشتکار و بررسی پیدا کرد، که این کار وظیفه اصلی این مجموعه بود.

لغاتی بنام واژه های انترناسیونال وجود دارند که در همه کشورها با معنی و تلفظ یکنواخت به کار برده می شوند. در اکثر کشورها لغات بومی یا ناسیونال برای جایگزینی آنها وجود ندارد. از آن جمله می توان به لغاتی مانند: سیگار، تلفن، رادیو، سیستم، سینما، تآتر، موزیک، الکتریک، دکتر، اتومبیل و مانند آن اشاره کرد. با افزایش روز به روز ارتباط کشورها با یکدیگر و وسائل ارتباطی جمعی و تکنیک و تکنیک دیجیتال روز به روز، تعداد این لغات انترناسیونال افزوده می گردد.

هدف مجموعه حاضر، در وهله اول بررسی لغاتی است که از زبان های اروپائی وارد زبان فارسی شده و در این زبان مصطلح شده اند. در عین حال چون زبان فارسی از خانواده زبان های هندواروپائی و هندوآریائی است، در حین جستجو و بررسی تقریباً به کلی لغات و واژه های زبان های اروپائی بر خورد می کنیم.

پس از اندکی بررسی بزودی درمی یابیم که واژه های خارجی اندکی وارد در زبان فارسی اکثراً گونه خاص واژه های خارجی هستند و غیر از زبان فارسی در بیشتر زبان های دیگر نیز به شکل واژه های خارجی وارداتی مصطلح شده اند.

در اینجا لازم به ذکر است که واژه های عربی وارد شده در زبان فارسی بجای جداگانه است. زبان عربی از خانواده زبان های

هندوآریائی و هندواروپائی نیست و در اینجا نیز مورد بررسی ما نمی باشد. زبان عربی از خانواده زبان سامی و حامی است که در کشورهای عربی زبان، مصر و شمال آفریقا و در کشورهای عبری زبان و دزمیان اقوام یهود تکلم می شود.

با وجود آنکه زبان فارسی تا حد زیادی تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته و حتی میتوان از اختلاط این دو با یکدیگر سخن به میان آورد، ولی از لحاظ ریشه و پیدایش هیچ نوع خویشاوندی باهم ندارند. زبان فارسی با زبان های لاتین، یونانی، انگلیسی، فرانسه، ایتالیائی، آلمانی، روسی و اسپانیائی و باین ترتیب حتی با زبان های لاتین جنوب آمریکا خویشاوندی بیشتری دارد تا با زبان کشورهای همسایه ایران مانند زبان های عربی و ترکی. از این رو و به جهت خویشاوندی نزدیک پس از ریشه یابی برای فارسی زبانان درک زبان های لاتین و اروپائی آسانتر است تا درک زبان عربی که از خانواده زبان های عبری، سامی و آرامی و آشوری و کلدی و فنیقی و سریانی است.

بررسی در این مورد یعنی در مورد لغات عربی رایج در زبان فارسی بایستی به اصل تخصص در این فن و صاحب نظران زبان عربی واگذار شود. ما در اینجا فقط به بررسی واژه های خارجی غیر عربی می پردازیم که وارد زبان فارسی شده اند، و واژه های اروپائی وارده در زبان فارسی را در قلب خویشاوندی خانوادگی آن ها یعنی در چهارچوب زبان های هندواروپائی بررسی خواهیم کرد.

خویشاوندان خانوادگی هندوآریائی و هندواروپائی بطور کلی و مختصر عبارتند از: ایرانی هندی، سانسکریت، ارمنی، آلبانیایی، انگلیسی، آلمانی، اسپانیائی، ایتالیائی، اسلاوی از جمله بلغاری، صربی، کروآسی، چک، پاکستانی، روسی، زبان کشورهای بالتیک، و زبان کشورهای اسکاندیناوی (نروژ، سوئد، فنلاند) که خویشاوند با زبان مجاری و ترکی است. زبان ترکی، مجاری، فنلاندی و مغولی از خانواده زبان آلتائی هستند.

تفحص خود را با لغات فارسی آغاز می کنیم و پس از چند دیدار دوره باخویشاوندان این خانواده بزرگ، ریشه یابی آنرا تا ریشه هندوآریائی و هندواروپائی ادامه می دهیم و دوباره به زبان فارسی قدیم و از آنجا به زبان های اروپائی این خانواده هندواروپائی مانند فرانسه، انگلیسی، آلمانی، اسپانیائی، ایتالیائی و روسی باز می گردیم. رابطه و خویشاوندی آن ها را بایکدیگر باز بررسی می کنیم. در ضمن این بررسی گاه به لغاتی از خانواده های غیر هندواروپائی مانند عربی، ترکی، ژاپنی و چینی، و زبان سرخپوستان بومی آمریکای جنوبی نیز برخورد می کنیم که بررسی این واژه ها فقط به صورتی مختصر و گذرا انجام خواهد شد.

از زبانهای عبری و عربی تنها لغاتی بررسی میشوند که به عنوان صنعت خارجی در کلیه زبانهای اروپائی امروز متداول شده اند. مثل: آلامبیک (الانبیق، الانبیق)، alkali، alkaloid (قلیائی، القلیائی)، ابلمسک (حب المشک)، admiral (امیرال)، alcohol (الکحل)، جبر، آرتیشوک (artichoke)، الشیمی (الکیمیا)، الکل (alcohol)، الجبر (algebra)، الیزارین (alizarin)، العصاره، آمالگام (amalgam)، الملغم،

آنیلین aniline (النیلی)، azimuth (السموت)، الیکسیر elixir (العصاره)،
 رآلگار realgar (رهج - الغار) و مثل لغات سیروپ sirup (شربت)، sofa (صفا)،
 بنزین benzine (بنجاوی)، گالا gala (خلعت)، hashish (حشیش)، شیفِر ciphre
 (صفر)، کافه café، جوپ jupe (جبه)، مازوت mazout و غیره.

از خانواده کشورهای آسیای دور مثل چین و ژاپن لغاتی مانند:
 چای، tea، کائولین kaolin، بونسائی bonsai، گیشا geisha، هاراکی haraki،
 جودو judo، کاراته karate، کیمونو kimono، گینگو gingko، گینزنگ ginse
 و غیره بررسی خواهند شد.

از زبان سرخپوستان آمریکای جنوبی به واژه هایی مانند: آلباکا
 alpaca، شینین quinin، کاکائو cacao، لاما lama، آکاژو acajou، کورار
 curare، کولا cola، کوکائین cocaine، کانوچوک caoutchuc، پوما
 puma، شکلات cacao، تنباکو، tabaco، تومات tomate و غیره بر

خوردنی کنیم.
 در این مجموعه سعی بر آن بوده است تا همراه خواننده و همپای لغت،
 یک دوره سافت کال بسوی پیدایش و ریشه لغت انجام پذیرد و از
 آنجا، از طریق ریشه هندوآریائی یا هندواروپائی و از راه لغات
 قدیم فارسی به زبان های اروپائی امروزی بازگردیم و رابطه آن ها
 را با لغات فارسی و زبان های دیگر بررسی کنیم.

برای آسانی کار خواننده سعی شده است که حتی المقدور به صفحات و
 مجلدات دیگر این کتاب یا به کتابهای دیگر ارجاع داده نشود و یا
 این کار در حداقل ممکن صورت گیرد. از این رو برای هر واژه
 پرونده ای جداگانه تشکیل شده و بحث تشریح هر لغت به طور کامل
 در همان پرونده و همان انجمنی صورت گیرد و پرونده آن در همانجا بسته
 می گردد.

چنانچه در پاره ای موارد تجزیه و تحلیل یک پیشوند یا پسوند یا
 نکاتی دیگر دوباره و سه باره و چندین بار تکرار هایی صورت
 گرفته، به این منظور بوده است که خواننده را از ارجاع به مواضع
 دیگر و گسستن رشته فکر او باز داریم تا بتواند بدون مراجعه به
 مراجع دیگر، همراهی خود را در این سفر به رودگاه و تغیر صورت لغت
 بدون مزاحمت ادامه دهد و از دنباله گیری مطلب منحرف نگردد.
 با این روش فرا گیری و آشنایی با واژه ها و یک زبان به یک
 مشغله تفریحی و حتی سرگرمی لذت بخش تبدیل خواهد شد و آنجا آنکه
 فراگیری یک وظیفه خسته کننده و ملال آور شود.

همانگونه که اشاره شد هدف اصلی از این تفحص و ریشه یابی، آسان
 سازی راه فراگیری لغات از طریق ارتباط ریشه ای و آشنایی با
 لغات انشعابی دیگر است که بدین ترتیب منطق فراگیری را تسهیل می
 سازد. به عنوان مثال لغت فارسی شترنج یا شترنگ را، که برای همگان
 واژه ای آشنا است ذکر می کنیم که چگونه می توان از راه پیگیری
 ریشه و انشعابات این لغت به معنی و مفهوم بسیاری لغات دیگر در

زبان فارسی و نیز به مفهوم بسیاری از لغات زبانهای اروپائی و اصطلاحات علمی پی برد.

لغت شترنج و شترنجی در فارسی به زمینه و اشکال چهار گوش و چهار خانه یا به بازی بر روی تخته ای با زمینه چهارخانه چهار خانه، گفته می شود. لغت شترنج از دو قسمت تشکیل شده است: از شتر یا چتر به معنای چهار و از انگ به معنای گوشه.

از هر کدام از این دو قسمت می توانیم به لغات بسیاری راه پیدا کنیم:

از قسمت اول چتر، در فارسی چهار، در زبان پهلوی چهارم، اوستا چتورا *tchatura*، روسی چتر *tcheter*، هندوآریائی کتور *ketuer*، لاتین کواتور *quattuor*، ایتالیائی کواترو *quattro*، فرانسوی کتر *quatre*،

و از این راه فهم بسیاری لغات دیگر آسان می شود مانند: لاتین کوادرات *quadratus* به معنای چهار گوش، لاتین کوادرانگل *quadrangulus*

(چهار گوش)، فارسی قدیم *tchetwert* چتورت به معنای یک چهارم و روسی چتر *tetwert* (یک چهارم لیت)، انگلیسی کوادراتیک *quadratic*، فرانسه

کاه، کاردو *carreau*، (چهار لو، چهار گوش)، انگلیسی کوارتت *quartette*

چهار نفری، لاتین کارانتینه *quarantina* (قرنطینه، توقف چهل روزه)، فارسی چهار پا، پهلوی چهارپاد و فرانسه کادروپد

quadrupède (چهار پا)، فرانسه کادر *cadre* (چارچوب)، فرانسه اسکادرون *escadron* (درجهت یک گروه)، لاتین کاروس *carrus*، انگلیسی کرت

cart (چهار چرخه)، انگلیسی کار *car* (اتومبیل)، کارناوال *carnaval* (دراصل کشتی بر روی چهار چرخه)، فرانسه کاروسری *carrosserie* (اتاق اتومبیل)،

شارژ *charge* (بار مافوق)، کاریکاتور *caricature* (زیادی بار کردن)، کورس *cours* (سواری، رزم سواری)، کنکور *concours* (باهم مسابقه گذاشتن،

مسابقه سواری) و همچنین بسیاری لغات علمی و مصطلح دیگر که در زبان های هندوآریائی رایج است.

به همین روش از قسمت دوم لغت شترنج یا شنگ-آنگ- میتوان به معانی لغات بسیاری دیگر پی برد:

پهلوی انگل *angal* به معنای قلاب، گوش، درخت به معنای چهار گوش، لاتین آنگول *angulus* به معنای قلاب، گوش، زاویه انگلیسی آنجل *angle* تلفظ می شود.

فرانسه تری آنگل *triangle* به معنای سه گوش، کارانگل *quadrangle* به معنای چهار گوش،

پیشوند آنگول، آنگلو *angul*، *anglo* به معنای انگلیسی (ماتری که در اصل از گوشه و زاویه ساحلی دریای شمال به انگلستان کوچ کردند)،

انگلند *England* (سرزمین آنگولها، سرزمین انگلیسیها)، آنگلو فیل *anglophile* (دوستان انگلیسیها)، آنگلو فوبی *anglophobie* (ترس از انگلیسیها)،

آنگلو ساکسون *anglo-saxon* (قومی دیگر از آنگل ها).

دراوستا آنگ *ang*، دریونانی آنگوس *angos* به معنای گوشه، پهلوی آنگل *angal* به معنای قلاب، یونانی اکوس *agkos*، لاتین آنگول *angulus*.

یونانی اگکورا *agkura* فرانسه آنکر *ancre*، لاتین آنکورا *ancora*، انگلیسی آنکر *anchor* به معنای لنگر (قلاب).

یونانی آنگوس *angos*، لاتین آنگیو *angio* به معنای رگ، عروق، آنژیوگرافی *angiographie* (عکسبرداری از رگها)، آنژیولوژی *angiologie* (تخصص

جالب توجه است با اینکه بسیاری از لغات تغییرات بسیار زیادی را متحمل شده و شکل امروزی آنها با شکل اولیه شباهتی نشان نمی دهد، اما لغاتی نیز وجود دارند که کمتر متحمل تغییرات و دست خوردگی شده و شکل امروزی آنها در کلیه کشورهای خانواده هند و آریایی با شکل هزاران سال پیش تفاوت زیادی پیدا نکرده مثلا:

زبان فارسی کلمه مادر در زبان پهلوی بصورت: مَتر matar، اوستا: مَتر matar، لاتین: مَتر mater، اسلاوی: مَتر mater، یونانی: مَتر meter، انگلیسی: mother، آلمانی: موتر Mutter، هلندی: موتر moeder، سوئدی: موتر moder، اسپانیایی: مادره madre، ایتالیایی: مادره madre، و فرانسوی: مَتر mère.

با لغت نامه‌های نو، تازه) در اوستا: نو nava و در هندوآریایی: نو neu بوده است. یونانی: نو novum، لاتین: نو novum، و امروز در زبان فرانسه: نو nouveau تلفظ می شود، در انگلیسی: نو new، آلمانی: نو neu، سوئدی: نو ny، اسپانیایی: نو nuevo، ایتالیایی: نو nuovo، روسی: نو novy، آلمانی: نو nov، صربی: نو nov، بلغاری: نو nov، لیتوانی: نو nava، لهستانی: نو nowy، چک: نو novy.

همچنین لغتی می بینیم که در زبانهای اروپایی امروز در مقایسه با زبانهای ایران باستان بدون تغییر مانده ولی در زبان فارسی امروز دیگر مطلق نیست. فقط در زبانهای کشورهای دیگر به آنها برخورد می کنیم: مثل اسنور shnor به معنای رشته و نخ، آلمانی: اسنور Schnur، اسلاوی: اسنور shnur، لهستانی: اسنور shnur، هلندی: اسنور snoer، سوئدی: اسنور snöre، نروژی: اسنور snor، و در فرانسه: اسنور snor که از آن کلمه نرف nerf، نرو nerv و نورون neuron گرفته شده است به معنای عصب (رشته عصبی).

یا لغت اوستائی فرشه fraša به معنای تازه که امروز این لغت به این معنادر فارسی دیگر مستعمل نیست ولی در زبان انگلیسی فرش fresh هنوز بمعنای تازه وجود دارد. آلمانی: فریش frisch، فرانسه: فره fraise، اسپانیایی: فرسکو fresco، ایتالیایی: فرسکو fresco، لاتین: frigidus.

بستگی و خویشاوندی بسیاری از لغات و رابطه آنها با یکدیگر به علت تغییرات زیادی که در ظاهر و شکل آنها ایجاد شده است در نظر اول نا آشکارا است و رابطه آنها تنها پس از پیدا کردن زنجیره روابط میانه آشکار می شود. مثلا رابطه لغت فارسی چهار و انگلیسی فور four (چهار) تنها بعد از مشاهده رابطه تریجی میانی روشن می شود: فارسی چهار، پهلوی چهار، اوستا چتورا tchura، هندوآریایی کتور ketuer، لاتین کواتور quattuor، گوتیک فیودور fidwōr، انگلیسی قدیم فیوور feower، انگلیسی جدید فور four.

با مشاهده یک مثال بهتر می توان تغییر و تبدیل، مسخرت لغات از مرزها، پیری و جوانی آنها، بریده شدن، ناقص و معیوب شدن آنها را ملاحظه کرد. در طول سالیان دراز، عمر لغات کوتاه می شود پیری می شوند، ناقص می شوند، از بین می روند، معنای خود را عوض می دهند یا به صورت یک لغت تازه دیگر به ظهور میرسند. حتی در طول یک نسل شکل و معانی لغات عوض می شود و لغاتی که برای پدران مفهومی داشته اند چه بسا برای فرزندان، بیگانه و نامفهوم جلوه کنند و به اصطلاح از دور خارج شده به نظر می رسند. یا بر عکس واژه های نسل جوان، برای پدران دیگر قابل درک نیستند، یا مفهوم دیگری

دارند. هر نسل و هر ملتی، و هر نسل در هر ملتی، مطابق سلیقه و طرز تفکر خود در لغات، تغییراتی می دهد و سرانجام گاه از لغت اولیه جز چند قطعه ناقص چیزی بر جای نمی ماند.

اسم خاص اصولاً باید کمتر تغییر شکل دهد، اسم باید اسم بماند و یک شخص در همه جا به یک نام خوانده شود اما با مشاهده مثال زیر می بینیم که حتی اسم خاص مورد تغییرات مکانی و زمانی و نیز سلیقه ای قرار می گیرد.

اسم عربی یحیی از عبری یوحنا با لغت انگلیسی جک Jack در ابتدا هیچ شباهتی نشان نمی دهد، اما با مشاهده زنجیره ارتباط میانه، خویشاوندی و رابطه آن دو روشن می شود. عربی یحیی از عبری یوحنا Yohann، یونانی ولاتین یوهانس Iohannes، آلمانی یوهن Johann، اسپانیایی خوان Juan، فرانسه ژان Jean، انگلیسی جون John و جونی Jonny با طرز عامیانه جک Jack که شکل انگلیسی آن است و مسمائی است برای افراد مختلف، لطیفه های بسیار، مشاغل و ابزار و ادوات فراوان می گیرد.

نیز شاهد هستیم که یانک Janek که ابتدا به مهاجرین هلندی آمریکا گفته می شد، از زبان در میان آنان این اسم فراوان بوده است، سپس لغت یانکی مسمائی را پیدا است که ساکنین شمال آمریکا را بدان می خوانند.

همچنین شکل اسپانیایی خوان Juan که از آن اسامی و مسمای دون ژوان و دون ژوآنسم و شبیه آن گرفته می شود.

هنگامی که اسامی خاص، چنین تغییراتی را تحمل کنند، بی تردید لغات دیگر متحمل تغییرات بیشتری خواهند شد و نیز تغییرات معنایی افزون تر خواهند داشت.

این تغییرات گاه به علت بی وفکری و تحولات سلیقه ای یک نسل بانسل دیگر است، و گاه به دلیل تغییرات در فکر اقوام مختلف. گاهی نیز این تغییرات و تحولات در اثر داشتن یک واژه از مرز یک یا چند کشور صورت می پذیرد و یا به دلیل تحمل تغییر تلفظ و یا اشکال نوشتاری.

مثلاً انگلیسیها «ژ» را «ج» تلفظ می کنند. آلمانیها «ژ» را به «گ» تبدیل می کنند، در زبان اسپانیایی «ر» به «خ» بدل می شود، در عربی «گ» «ق» تلفظ می شود. اروپاییان قادر به تلفظ «ق» نیستند و اعراب «ژ» را تلفظ نمی کنند. فیلیپیان حرف «ح» را در ابتدای کلمات به تلفظ نمی آورند. روسها «ل» ندارند و آنرا به «گ» بدل می سازند. در زبان اوستایی حرف «ل» توسط حروف دیگری مثل «س» یا «ر» جانشین می شده است، چینی ها «ای» «ر» حرف «ل» تلفظ می کنند و همینطور هر ملتی بنا به سلیقه و توانایی یا ناتوانایی خود لغات را تغییر میدهد و چه بسا در آخر از شکل لغت اولیه جز یک باقیمانده ناشناس، چیزی بر جای نمی ماند.

در این واژه گردی که در پیش روی شما است سعی شده است تا با رعایت و روشن کردن این مطالب و آسان ساختن و پیگیری حلقه ارتباطی، کار فرا گیری لغات زبان های خارجی و اصطلاحات علمی هموار و آسان گردد. البته این کار با این حجم و وسعت نمی تواند

خالی از نقص و نا رسائی باشد. که امیدوارم در چاپ های بعدی حتی المقدور، عیبها و نا رسائی ها برطرف و یا کمتر باشند. در اینجا مناسب است از همکاری و کمک افرادی تشکر کنم که بی تردید بدون کمک آنها، اتمام این کار شروع شده، ناممکن می نمود. در وهله نخست از همسرم بریژیت سپاس گزارم که با صبر و حوصله در تمام این مدت زحمات زیادی را متحمل شد و در فراهم آوردن وسائل و مراجع کمک شایانی کرد. و نیز از دوستانی سپاسگزاری می کنم که مشوق من در این کار بودند.

روش استفاده از این کتاب: چون در اینجا لغات اروپائی مصطلح در زبان فارسی و شکل اصلی آنها در کشور مبدأ مورد بحث و بررسی ما هستند بنابراین لغات به ترتیب الفبای لاتین تنظیم و مرتب شده اند، اما برای تسهیل در پیدا کردن شکل فارسی آنها در کتابچه ای جداگانه فهرست لغات به ترتیب الفبای فارسی با شماره لغت و شماره صفحه نوشته شده اند که پیدا کردن شکل مفید آنها در صفحه معین آسان می کند. در ابتدای کتابی مصطلح هر لغت در کشور مبدأ و در کشورهای دیگر و همچنین در ایران نگاشته شده است که معانی لغات گاهی در کشور مبدأ نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است. در جلوی بسیاری از لغات در پرانتز معنی اصلی و تجزیه شده لغت آورده شده که با معنای مصطلح، کاملاً متفاوت است. این کار به منظور آسان شدن درک اصل لغت و برقراری ارتباط معنایی صورت گرفته است. پس از آن هر لغت ترکیبی، به اجزای آن تجزیه شده هر کدام از اجزاء، جداگانه با اصل و منشأ و ریشه و معنی و معنی مبدأ نوشته شده است. در تجزیه و تحلیل اجزاء لغات نیز بر آن بوده است که حتی الامکان حلقه ارتباطی روشن شود. در صورتی که این توضیح، ناکافی یا نا مفهوم بنماید، خواننده می تواند تحت شماره و شرح لغت به شرح کامل آن مراجعه کند.

سپس لغات خویشاوند هر جزء از لغت شرح داده شده اند. البته هر لغت، لغات خویشاوند بیشتری دارد که در هر یک آنها ناممکن می نمود ولی لغات خویشاوند متداول حتی المقدور ذکر شده اند. در تشریح لغات، کوشش شده است تا رابطه هر لغت با لغات فارسی امروز روشن شود که برای این کار اکثراً یک گرس فارسی در زبانهای جدید و قدیم دیگر لازم بود تا ریشه زبان های اروپائی قدیم و فارسی قدیم و پهلوی و اوستا و هندوآریائی. در صورتی که طرز نوشتن، تلفظ، پیدا کردن لغات یا حتی فهم مطالب در یکی از دو زبان فارسی یا انگلیسی مشکل باشد می توان از این یکی یا دیگری کمک گرفت. در جلوی برخی لغات روسی (S.S) آمده، در اینصورت حرف S در لغات مربوطه «ز» خوانده می شود.

دکتر حسین ناصر اسلامی

هامبورگ بهمن 1385، فوریه 2007.